

و امام عت و سعادت و توفیق الی قیام الی عت و السیاحه القیام منقاد
 میونید اربوب جم مسری و جو سعادت بریدین بستان جان کنی
 جان اخذین مصون و طوارق نواب خداوندان فریبش نامون السیاحه
کلمه اوم امین و بیروح الامین که درون دلش اولش در تین بوقند و
 طبع زکوارتیک قدر لری بریده در که قیام مشک در قابل اعلام خدایا
 و کلن قطره منیع آب زلال در شش نرسبال سلسال بلجین ناز قلب ایل
 معارف و کمال عشق و منقذ و عود عیارت مسود و عین ساری کلمات ممدوح خدیو
 و باغ مستغان فضائل نامی و بی روح و معطر لب سربار و این جاسانه جزا بیده
 و کوا بر اعش سار شارب و آب را تمک طبع عالی و ذات کماله ابرار سینه شارب و زوار
 اولش در تیر کا و شینا قاید طبع اشراق و نورا و نور و نور حکمت اندوز نرسدن
 بعضی او حفظ اجبار و صحتی اباره بر او و اصدا و اولش در یو بر قاج اشعار بخت
 شفا اول ذات سوده صفا و اطوار که اول معدن لطف فتوحات و اول منبع
 گرم و درونک اول بر شیشه فضائل فاکت اول در قیاس الطایف اسما که
 اول با و معین خود و لولواکت اول ناصرین این معارف و کلمات انار اسلام
 شکیب این رقام و نیای فضائل اطفال مستدر که بر او تطلی و لندی **شعبه**

سوز جان صبر بیوفی دیده بر زخمی
 شوق اولش توکل بر کمال و فضل کفر
 هر کس که بر سر سجده بر اندک کشته در
 بولند و سوز عیار کالیون لایک یوسف
 را ختم در هر حاجت تیر غزلن تنها
 آجیزتی کس کوزم یا ستم در دم زاده
 حمد و ستایشه سلطان در دم کرامت
 اگر در سبک اراده و صفا قلسو که بر سر
 قدریه کوزم و بولیک شمشاد و اوش
 کبیردی قابوسندین صفتی غیر العیار

بودل ناست دیکه کلین او بختی
 کوز شمشه فرشته صفت داغی بکالی
 صبح سرگردان دخی چو این عقولن تم
 دغدی بر کوزه بوی جاره افسردم کوی
 شمشه کوشش لیرم زخمک کوزم کوی
 اعلم حقن کندی عیلم ولدی مسجودی
 در کسندره سنجیکه سولوی و انسانی
 زحیف فتنه بخونی در عمارت کوزم
 یعقوب بادخان آخا کدی مار و کدی
 ای کوزه بینانی دخی بند بر کستون

چون کفایت غنات ربانی و الطایف اعطاف جناب جانی لطایر
 میونید مال و همای سماویون خال که هوای کالیده بر او از ایلدی مسیحا
 لایق در که اول بارگاه جاه و جلال و ابوان سعادت و اقباله شین
 سنا زاولک و بونخدره حسن جمال و نمائیه بر سرخ و و لال که شقی کون
 و سر برده خجسته ن ظهور ایلدی سزاوار در کرم سیرای کمار خضا
 مصون و منظور اوله و لوجه لقمه رشیده که غنصان و اشجاری انواع
 بوالوای شمار له مال مال و زمین لطافت قرنی اصناف و اجناس را جین ایل
 خلد مشال اولدی اکاشیسته و خلیق بود که کای لقمه نگاه جناب سعادت
 ساسی اول **مشبه** بلطفی سینه در بولدی زمانه ظهور لطف احب انکار
 اولور سینه منظور جاشا فحاشا **شیت** زخردان سینه سوست لاف ملاعت
 لکن نواله فضولانه کار فضائل بکلا شینا سنده رسیده و عقاب عقاید
 رسیده اولش بر عین لب خزان دیده در یک کلمات انصاف کوزم کوزم
 مال خوب کمال الطایف و اعطاف خدام بارگاه شکیفته و خندان اولش کمال
 کلن و حمله جملته نرسند خود سبت و بیای عمال انصاف لایسته بر عروس بولقا
 و شایه ل حسن و سواد یکین نظر عا طقت ایلد جمال بولوب مطالعه سماویله
 فی الملک کمال بولوب و شمشک سال تحت مملکت زبول بولشش و اسب بیوم
 غم طبر برک و باری سولش بر نهاله کفر نفس اطوار رحمت افضال و رشح
 در راز کرمت و نوال ایلد سینه زخم اوله **سبت** کرا ن سینه سرت کت ناید زانو
 شور و روانه سنا زاکاه فضل و کمال بود که صدر زشتیان بارگاه گرم
 نظر کنند بر نشاوه کان صفت انعال معلوم و قوم ذوی الالاس اوله که
 بولکتاب مستطاب و صفا اوزره در **فصل اول** اسما طین ماضیه
 آل عثمان زماننده در **فصل ثانی** سزاوار کان و صفینده در
فصل ثالث حروف بجا تیری اوزره علما و شعرا ساینده در **فصل اول**
 عودت بر ارضه ربع مسکون سفر بضم نام سعادت شینجی و بساط طایفه
 ابر مشال خط سزا و ذات عظمت و جلال اولوب تحت نشین اقالیم جهان

رواج

فصل اول ذکر سائر